

به او گفتند که شنوندگان در سراسر آمریکا با مقامات تماس می‌گیرند و می‌پرسند که آیا اخبار تهاجم واقعی است یا خیر. به زودی روزنامه‌ها از وحشت در خیابان‌ها و فرار مردم از شهرها خبر دادند. اورسون ولز از اتاق کوچک استودیوی رادیویی خود تمام ملت را ترسانده بود.

ولز حیرت زده اصرار می‌کرد که او فقط قصد داشته در آن شب یک داستان ترسناک تعریف کند - که طبیعتاً، خیلی موفق هم بود - اما او هرگز تصور نمی‌کرد که کسی واقعاً چنین داستانی را باور کند.

چرا مردم آن داستان را باور کردند؟ کارشناسان جدیدتر می‌گویند اولین عامل در متقاعد کردن شنوندگان خود رادیو بود. در سال ۱۹۳۸، اکثر خانه‌های آمریکایی از این فناوری جدید برخوردار بودند. در طول رکود بزرگ، رییس‌جمهور آمریکا از رادیو برای دادن پیام‌هایی به نام گفت‌وگوهای کنار آتش استفاده می‌کرد تا ملت را آرام کند. در مناطق روستایی، رادیو پیوند خاصی با دنیای خارج برقرار می‌کرد. مردم به رادیو اعتماد داشتند.

عامل دوم زمان‌بندی بود. در سال ۱۹۳۸، بسیاری از آمریکایی‌ها از قبل مضطرب بودند، زیرا جنگ جهانی دوم در اروپا آغاز شده بود. بنابراین، هر خبری که به تهاجم اشاره می‌کرد، می‌توانست مهم باشد و آنها را از خطر نجات دهد یا آنها را از وجود خطر آگاه کند.

روان‌شناسان می‌گویند که نحوه برخورد مردم با اطلاعات مهم‌ترین عامل این ترس است. شنوندگانی که «جنگ دنیاها» را نیمه تمام یا تکه‌تکه شنیدند، احتمالاً باعث گسترش ترس شدند. شنوندگان وحشت‌زده از طریق تلفن به همسایه‌ها و افرادی که می‌شناختند هشدار می‌دادند و می‌خواستند خبر بیشتری بگیرند: «آیا درباره حمله مریخی‌ها شنیده‌اید؟» همین جمله کافی بود تا افراد بیشتری درگیر ماجرا شوند.



در برنامه رادیویی، یک شی بزرگ و شعله ور مانند یک شهاب سنگ گزارش شد که به گروورز میل، نیوجرسی برخورد کرده است. پرتوهای حرارتی مریخ و ماشین‌های جنگی نه تنها توصیف می‌شد، بلکه شنیده می‌شد!

اورا نیکولز، جلوه‌های صوتی شگفت‌انگیزی را به پخش اضافه کرد. تماشاگران در خانه می‌توانستند صدای شوم باز شدن «پایه‌های سفینه‌های مریخی» و سپس صدای وحشتناک «پرتوهای اسلحه‌های گرم‌زای مریخ» را بشنوند.

به عنوان آخرین ترفند، ولز برنامه خود را بدون تبلیغات یا وقفه‌های دیگر اجرا کرد تا حال و هوای نمایشی را کاملاً از بین ببرد و آن را به برنامه خبری نزدیک‌تر کند. شنوندگان از اخبار و صدای «ماشین‌های مریخی» که زمین را شخم می‌زدند و خطوط برق، راه‌آهن و پل‌ها را تخریب می‌کردند، خشک‌شان زده بود. «منظورم این نبود!»

ولز پخش برنامه خود را حدود ساعت ۹ شب به پایان رساند و قصد داشت برای نمایش دیگری که برنامه‌ریزی کرده بود آماده شود اما از دیدن مدیران ایستگاه رادیویی و پلیس شوکه شد. آنها